



گامی در شناخت نقش منطقه‌ای

شهید حاج قاسم سلیمانی

یادداشت



دکتر محمد علی
مهتدی

تحلیلگر مسائل غرب آسیا



اشاره | با وجود همه مطالبی که درباره شهید حاج قاسم سلیمانی، چه از سوی دوستان یا توسط دشمنان نوشته شده، نویسنده این سطور را بر آن می‌دارد که اهمیت ابعاد منطقه‌ای مجاهدت‌های این شهید بزرگوار، آن‌چنان‌که باید بیان نشده و مغفول مانده است. شاید دلیل این امر، این باشد که مسائل و تحولات منطقه‌ای برای اکثریت مخاطبان در داخل، ناشناخته بوده و بسیاری تحت تأثیر اخبار و تحلیل‌های نادرست در شبکه‌های فضای مجازی، نتوانسته‌اند فهم و درک دقیقی از آنچه در این منطقه می‌گذرد، داشته باشند و فقط آن دسته از تحلیل‌گرانی که طی ده‌ها سال، همه تحولات را با دقت و با شناخت زمینه‌های تاریخی و بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری کرده‌اند، می‌دانند که شخص سردار حاج قاسم سلیمانی با برخورداری از نبوغی کم‌نظیر و با اخلاص در عقیده و عمل، چه تحولات ژرفی را پدید آورده و به چه دستاوردهای عظیمی، دست یافته است.

خود دست نیافت، بلکه ضربه‌های سختی را در زمین، هوا و دریا از مقاومت متحمل شد.

در اینجا قصد ورود به جزئیات این جنگ نابرابر را نداریم، اما آنچه باید ذکر شود، دو نکته مهم است:

۱. نخست اینکه آنچه روی داد، جنگ اسرائیل علیه مقاومت نبود، بلکه یک جنگ نیمه جهانی با شرکت ایالات متحده آمریکا، چند کشور اروپائی و برخی از کشورهای عرب و همچنین، پاره‌ای از جریان‌های سیاسی لبنانی علیه مقاومت بود؛
۲. دوم اینکه، هدف تنها نابود کردن حزب‌الله نبود، بلکه همچنان که خانم کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در بیروت اظهار داشت، هدف اجرای طرح خاورمیانه جدید، تجزیه کل منطقه بود.

این جنگ تا حد زیادی یادآور جنگ احزاب در صدر اسلام بود که همه کفر در برابر همه ایمان، صف‌آرایی کرده و سرنوشت منطقه به نتیجه این جنگ، گره خورده بود و مهم‌ترین عاملی که این توطئه عظیم را خنثی کرد، حضور حاج قاسم سلیمانی در همه مراحل از برنامه‌ریزی و تهیه لجستیک تا اجرا، در کنار سید حسن نصرالله و دیگر رزمندگان بود. نبوغ و اخلاص حاج قاسم بود که منطقه و امنیت استراتژیک آن را از سلطه آمریکا و اسرائیل حفظ کرد.

۲. ژوئیه ۲۰۱۲: سوریه

پس از امضای قرارداد صلح در کمپ دیوید و خروج مصر از صحنه مبارزه، فشارهای زیادی بر سوریه وارد آمد تا اینکه یا صلح را بپذیرد یا زیر فشارهای گوناگون، سرنگون و تجزیه شود. پس از وقوع خیزش‌های مردمی در کشورهای مصر، تونس و چند کشور دیگر، این فشارها بر سوریه افزایش یافت و تلاش شد تا این

شرح مجاهدت‌ها و مبارزات شهید حاج قاسم در سراسر منطقه غرب آسیا، به تألیف کتاب‌ها نیاز دارد، اما در این بحث کوتاه، قصد داریم تا تنها به سه مورد سرنوشت‌ساز برای منطقه اشاره کنیم که اگر دخالت حاج قاسم نبود، حتماً در حال حاضر، منطقه شکل دیگری داشت.

۱. تابستان ۲۰۰۶: لبنان

از سال ۱۹۸۲ که ارتش صهیونیستی لبنان را به اشغال خود درآورد، مقاومت در لبنان پس از ۱۸ سال جان‌فشانی و تقدیم حدود ۲۰۰۰ شهید، سرانجام در ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰، توانست ارتش اشغالگر را از لبنان فراری دهد. این پیروزی، تحول ژرفی در منطقه محسوب می‌شد، زیرا قبل از آن، ارتش صهیونیستی در چهار جنگ، ارتش‌های عرب را شکست داده بود و همه باور کرده بودند که این ارتش، شکست‌ناپذیر است اما اینک حدود ۵۰۰ جوان مقاوم توانسته بودند، همین ارتش را شکست دهند و علاوه بر این، یک معادله بازدارندگی و تبادل، رعب را بر اسرائیل تحمیل کنند. بدیهی است که این معادله جدید برای بسیاری از قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، قابل قبول نبود، لذا یک برنامه‌ریزی هماهنگ میان این کشورها برای برهم زدن این معادله، آغاز شد و سرانجام در اسرائیل در ژوئیه ۲۰۰۶، جنگ گسترده‌ای را علیه لبنان آغاز کرد. این جنگ که به گفته ایهود اولمرت، نخست‌وزیر و خانم تسیبیلی لونی، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی قرار بود، فقط ۴ یا ۵ روز زمان بگیرد و به اهداف خود و در رأس آن‌ها، نابودی کامل حزب‌الله و مقاومت بینجامد، ۳۳ روز به طول انجامید و ارتش مهاجم، نه فقط به هیچ‌یک از اهداف



مسئولان بلندپایه از جمله وزیر دفاع و فرمانده دستگاه امنیتی، به قتل رسیدند. این انفجار، مقدمه‌ای بود برای یک رشته اقدامات در راستای سرنگون کردن نظام دکتربشار اسد در سوریه. اتمام عملیاتی که این عملیات را هدایت می‌کرد، در موک اردن با حضور

خیزش‌های مردمی را به داخل سوریه نیز بکشاند. شرح این وقایع و ابعاد مختلف آن نیز بسیار مفصل است، اما به‌عنوان یک نقطه مفصل، در نیمه ماه ژوئیه ۲۰۱۲، انفجار بزرگی در جلسه مسئولان امنیتی و سیاسی در دمشق، روی داد که طی آن، تعداد زیادی از

افسران آمریکائی، اسرائیلی و چند کشور عربی بود. بلافاصله بعد از این انفجار، ۶۰۰۰ جنگجو که از پیش آماده و مجهز شده بودند، از منطقه حوران در جنوب سوریه به سمت دمشق حرکت کردند؛ موقعیت بسیار حساسی بود که بیم سقوط دمشق می‌رفت.

در این شرایط حساس، حاج قاسم سلیمانی وارد عمل شد و در کنار رئیس جمهوری، بلافاصله پس از تعیین مسئولان و فرماندهان جدید، به جای آن‌هایی که در انفجار کشته شده بودند، دو خط دفاعی در جنوب دمشق، ایجاد و حمله مهاجمان حورانی خنثی شد. بعدها که داعش را وارد سوریه کردند، بازهم حاج قاسم بود که با تشکیل تیپ‌های عباسیون، زینبیون و غیره به عنوان نیروهای ردیف در کنار ارتش سوریه، به مقابله با داعش، آزادسازی شهرها و مناطق سوریه پرداخت و در مرحله بعدی، بازهم حاج قاسم بود که در سفر به مسکو، ولادیمیر پوتین را قانع کرد که در سوریه، دخالت نظامی نماید و پوشش هوائی لازم را به نیروهای زمینی در عملیات نظامی بدهد. نتیجه آن، اینکه در اینجا نیز نبوغ و اخلاص حاج قاسم بود که توطئه‌ها را خنثی کرد، به‌گونه‌ای که دولت سوریه، اینک حدود ۷۰ درصد از خاک کشور خود را در حاکمیتش دارد.

۳. اوت ۲۰۱۴: عراق

سومین مورد به عراق مربوط می‌شود. همچنان که می‌دانیم، داعش پس از گرفتن موصل و اعلام به اصطلاح «دولت اسلامی در عراق و شام»، نیروهای خود را به سوی بغداد و همچنین، اربیل روانه کرد. زمانی که این نیروها به ۵۰ کیلومتری بغداد رسیدند و پایتخت در خطر سقوط قرار گرفت، آقای نوری المالکی، نخست‌وزیر وقت عراق -که با توجه به خیانت برخی

از واحدهای ارتش در موصل، اعتمادی به ارتش نداشت- با حالتی از درماندگی از حاج قاسم کمک خواست. چنانچه بغداد سقوط می‌کرد، داعش دست به قتل عام‌های وحشتناکی در آنجا می‌زد. لحظه بسیار سرنوشتی و حساسی بود که حاج قاسم، وارد عمل شد و با سازمان دهی پاره‌ای از نیروهای قابل اعتماد و ایجاد دو خط دفاعی در شمال بغداد، داعش را وادار به عقب‌نشینی کرد و مانع سقوط پایتخت شد. هم‌زمان، بخشی از نیروهای داعش که به سمت اربیل، مرکز اقلیم کردستان، روانه شده بود، در حال نزدیک شدن به اربیل بودند. نیروهای پیشمرگه تحت تأثیر جنایات وحشتناک داعش، روحیه خود را از دست داده و قادر به دفاع نبودند. همه ناظران، سقوط اربیل را حتمی می‌دانستند و شرکت‌های خارجی از این شهر به ترکیه فرار کردند. آقای مسعود بارزانی به هر کشوری متوسل شد، جواب رد شنید تا سرانجام از حاج قاسم سلیمانی کمک خواست و چیزی نگذشت که حاج قاسم با حدود ۵۰ نفر از سرداران سپاه با تجهیزات لازم، وارد فرودگاه اربیل شد و بلافاصله نیروهای پیشمرگه را -که با دیدن حاج قاسم روحیه گرفته بودند- سازمان دهی کرد و با حمله به مواضع داعشی‌ها، آن‌ها را عقب راند و اربیل را از سقوط نجات داد.

آنچه ذکر شد، تنها اشاره به گوشه‌ای از اقدامات شهید حاج قاسم سلیمانی در لحظات و موقعیت‌های حساس و سرنوشت‌ساز بدون ورود به جزئیات بود که همه این‌ها، از نبوغ و اخلاص حاج قاسم حکایت می‌کند؛ اما جا دارد که این موارد، به فراموشی سپرده نشود و در آکادمی‌های نظامی با همه جزئیات، ثبت و تدریس شوند.